

ریشه‌های مناقشه آمریکا در مواجهه با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران با تأکید بر تئوری موازنه تهدید

سیامک باقری چوکامی* / محسن محمدی الموتی**

(۱۱۱-۱۳۷)

چکیده

از آغاز چالش پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (تاریخچه) و با وجود شفاف‌سازی و اعتمادسازی‌های مکرر ایران، ابهام و اقدام آمریکا و متحدان آن علیه ایران افزایش یافته است (مسئله) اما تاکنون، حل این ابهام از منظر تئوری موازنه تهدید استفان والت بررسی نشده است (پیشینه) در نتیجه، این مقاله برای رفع ابهام پیش‌گفته با این پرسش رو به‌روست که ریشه‌های مناقشه آمریکا با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران به‌ویژه اجماع دولت‌های غربی علیه ایران چیست؟ (سؤال) نگارندگان در کوشش برای دستیابی به پاسخ این پرسش نگرانی آمریکا از ماهیت انقلاب اسلامی (گمانه اصلی) و نگرانی‌اش از گرایش ایران به سمت تولید سلاح اتمی (گمانه رقیب) را بررسی می‌کنند. (فرضیه) اثبات هر یک از این فرضیه‌ها، چگونگی عمل سیاست خارجی ایران را در مقابل آمریکا و متحدان غربی‌اش مشخص می‌کند. (هدف) با بررسی فرضیه‌های

* استادیار پژوهشکده علوم سیاسی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع) (نویسنده مسئول) - s.bagheri6@gmail.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان - m_alamooti@yahoo.com

رقیب و اصلی از منظر تئوری موازنه تهدید استفان والت و مبتنی بر گزاره‌های اصلی آن یعنی مفاهیم درک تهدید و توازن تهدید می‌توان به این هدف دست یافت. (روش) نتیجه آنکه موضوع نگرانی غرب از دستیابی ایران به سلاح اتمی با واقعیت همخوانی ندارد، بلکه ناشی از ماهیت انقلاب اسلامی است. (یافته)

واژگان کلیدی

ایران، آمریکا، فناوری هسته‌ای، سلاح هسته‌ای و موازنه تهدید

مقدمه

نظام جمهوری اسلامی ایران از استقرار تاکنون همواره بارویکرد تقابلی قدرت‌های غالب نظام بین‌الملل، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، مواجه بوده است. در پیش گرفتن چنین رویکردی با توجه به موضوع‌ها و حوادث گوناگون رخ داده، و در دوره‌های گوناگون پس از پیروزی انقلاب، فراز و نشیب داشته است، ولی با نگاهی گذرا به بیش از سه دهه عمر انقلاب اسلامی، استمرار این رویکرد را درمی‌یابیم.

به‌طور مشخص این تقابل در حوزه مسئله هسته‌ای شدیدتر است، در حالی که از نظر تاریخی، قرار گرفتن ایران در مسیر هسته‌ای با حمایت آمریکا عملی شد و این کشور در چهارچوب انگیزه‌ها و اراده سیاسی و با توجه به نظام ارزشی پهلوی دوم، از فعالیت‌های هسته‌ای ایران حمایت، و آن را تشویق کرد، اما در پی پیروزی انقلاب اسلامی، این روند تغییر یافت و شرکت‌های غربی به بهانه‌های گوناگون، به‌ویژه موضوع جنگ تحمیلی از عمل به تعهداتشان سرباز زدند و قراردادهای منعقد با ایران را تعلیق نمودند. این رویکرد از سال ۱۳۸۲ که ایران موفق شد از پروژه UCF و نظن بهره‌برداری، و ماده اصلی غنی‌سازی را تولید کند، وارد فاز جدیدی شد و بیش از یک دهه با اقداماتی مانند تحریم‌های اقتصادی، مسدود کردن دارایی‌ها، برقراری ممنوعیت معامله، جلوگیری از اعطای اعتبارات بین‌المللی، محدودیت صدور دانش فنی، حذف فیزیکی نخبگان و دانشمندان هسته‌ای کشور بروز یافته و ادامه داشته است. در این راستا، کوشش برای متهم کردن ایران به تهدیدکننده صلح و امنیت جهانی و ایجاد اجماع و ائتلاف بین‌المللی

علیه دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای، در دستور کار آمریکایی‌ها قرار دارد، اما با وجود آن جمهوری اسلامی ایران توانست ابعاد گوناگون مربوط به این فناوری مانند غنی‌سازی اورانیوم، چرخه کامل سوخت، تولید سانتی‌فیوژهای پیشرفته، طراحی رآکتور آب سنگین اراک و... به موفقیت‌های بومی هسته‌ای برسد.

نکته اساسی این است که همواره آمریکانگرانی از دستیابی ایران به سلاح اتمی را دلیل اصلی مخالفتش با هسته‌ای شدن ایران مطرح می‌کند و بر همین اساس، حتی دستیابی ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را نیز بر نمی‌تابد و با آن مخالفت می‌کند. این مسئله، موضوع این مقاله است:

الف) چهارچوب نظری؛ تئوری موازنه تهدید

نظریه موازنه قوا از مهم‌ترین نظریه‌های مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود که در مقاطعی از دوران جنگ سرد نظریه پردازان، به‌ویژه کنت والتز،^۱ در کتاب تئوری سیاست بین‌الملل آن را مطرح و بررسی کرد. این نظریه مهم‌ترین چهارچوب فکری محافل آکادمیک در حوزه جنگ و صلح به شمار می‌رفت، اما پایان جنگ سرد و شکل نگرفتن موازنه جدی در برابر ایالات متحده آمریکا سبب شد جایگاه محوری این نظریه از دست برود و برخی نظریه‌پردازان بین‌المللی قدرت تبیینی این نظریه را در وضعیت جدید به چالش بکشند.

ناتوانی رویکرد موازنه قوا و دیگر نظریه‌های سنتی سیاست بین‌الملل برای فهم تحولات بسیار گسترده و وسیع بین‌المللی، تلاش گسترده‌ای را در محافل آکادمیک برای چاره‌اندیشی در این خصوص رقم زد. برخی متفکران روابط بین‌الملل به نظریه‌پردازی جدید در این حوزه روی آوردند و برخی کوشیدند تا چهارچوب نظری گذشته را بازسازی نمایند. استفان والت،^۲ از شناخته‌شده‌ترین اندیشمندان وابسته به

1. Kenneth Waltz.

2. Stephen Walt.

رنالیسم تدافعی^۱ است که برای بازشناسی گزاره‌های اصلی و محوری نظریه موازنه قوا بسیار کوشید.

محقق نشدن فرضیه موازنه علیه هژمون بالقوه ایالات متحده پس از جنگ سرد، استفان والت را به جابه‌جایی نقطه تمرکز واقع‌گرایی^۲ از موازنه قدرت^۳ به موازنه تهدید^۴ سوق داد تا این‌گونه بتواند گره‌کور نواقع‌گرایی^۵ را بگشاید. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۱) والت با نقد اصل موازنه قوا و با طرح نظریه موازنه تهدید بیان کرد که آنچه باعث حرکت کشورها به سوی توازن می‌شود، میزان تهدیدی است که ادراک می‌کنند. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۵)

از دیدگاه وی دولت‌ها باید در مقابل کشورهایی که منشأ بیشترین تهدیدند، متحد می‌شوند. در این حالت لزوماً دولت یا دولت‌های تهدیدکننده جزء قوی‌ترین دولت‌ها نیستند، وی تهدید را افزون بر قدرت، ترکیبی از دیگر عوامل مانند توانایی‌های تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی، و به‌ویژه نیات و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می‌داند. منظور وی از تهدید، فقط به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد، بلکه برداشت دولت‌ها در روابطشان از تهدید مدنظر اوست. هرگاه دولت‌ها احساس کنند که موجودیت یا منافع آنها از سوی دیگر دولت‌ها با تهدید روبه‌روست، با اتحاد با یکدیگر به موازنه در برابر آنها می‌پردازند. (Walt, 1987: 1-28)

درواقع، استفان والت برای تبیین رفتار خارجی دولت‌ها و تلاششان برای ایجاد موازنه در برابر دولت‌های دیگر، یک گام از نظریه توازن قوای والتز فراتر می‌رود و این

۱. فرض واقع‌گرایی تدافعی (Defensive Realism) این است که آنارشی بین‌المللی معمولاً خوش‌خیم است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست بلکه فراوان است. در نتیجه، دولت‌ها با درک این مهم، رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و فقط در وضعیتی که احساس کنند تهدیدی علیه آنها وجود دارد، به آن واکنش نشان می‌دهند و این واکنش بیشتر در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳۳)

۲. در وضعیتی که واقع‌گرایی کلاسیک متهم بود سنت‌گرا و غیرعلمی است، نواقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری که کنت والتز در اواخر دهه ۱۹۷۰ آن را شکل داد، تلاشی برای علمی کردن واقع‌گرایی محسوب می‌شد. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۰۷)

3. balance of power.

4. balance of threat.

5. Neo Realism.

باور را مطرح می‌کند که دولت‌ها در برابر هر قدرتی موازنه ایجاد نمی‌کنند، بلکه موازنه در برابر دولت‌هایی صورت می‌گیرد که قدرت آنها از منظر دولت ایجادکننده موازنه، تهدیدکننده باشد. بر این اساس، از منظر والت فقط عنصر قدرت باعث رفتار موازنه‌گرا نمی‌شود، و موازنه تهدید، مفهومی جامع‌تر و با قدرت تبیین‌کنندگی بالاتر است و قاعده اصلی رفتار موازنه‌ای سیاست خارجی است. (اسدی، ۱۳۸۹: ۲۳۷)

از دیدگاه والت، با یکی از اصلی‌ترین بن‌انگاره‌های واقع‌گرایی تناقض وجود دارد. واقع‌گرایی هرگونه قدرت متراکم را به خودی خود، موجد تهدید می‌داند، بنابراین، فقط وجود دولت، که بر قدرت متمرکز مبتنی است، موجد حدی از تهدید برای دیگران است که به نیات و مقاصد دولت بستگی ندارد، (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۳) اما والت بیان می‌کند زمانی که کشوری با انتخاب‌های گوناگون برای اتحاد مواجه می‌شود، محاسبه میزان ریسک و سطح تهدید مهم‌ترین عامل برای تصمیم‌گیری است، نه قدرت؛ (Walt, 1987: 21-22) مثلاً اگر کشوری، کشور دیگر را تهدیدی مستقیم برای بقای خود بداند، بدون در نظر گرفتن برتری قدرت و نفوذ کشور هدف خواهد کوشید موازنه قدرت را ایجاد کند؛ از سوی دیگر اگر کشوری، کشور دیگر را از هر جهتی تهدیدی برای بقایش تلقی نکند، به سمت اتخاذ استراتژی موازنه قدرت حرکت نخواهد کرد، حتی اگر آن کشور برتری محسوس قدرت و نفوذ داشته باشد (Walt, 1987: 29-35)

این بخش از نظریه والت به موضوع ادراک و احساس تهدید می‌پردازد و بر بخش دیگر نظریه‌اش که ائتلاف برای موازنه در قبال تهدیدهاست، مقدم است و همچنین آن را از مادی‌گرایی دور و رویکردهای معناگرا و سازه‌انگار را به ذهن متبادر می‌کند که از مفهوم تهدید ناشی می‌شود و بیش از مفهوم قدرت، معناگرایانه است. (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۶)

مثلاً، بر اساس وجه سازه‌انگاری نظریه موازنه تهدید، معضل امنیتی فقط از این واقعیت که دو دولت سلاح هسته‌ای دارند، ایجاد نمی‌شود، بلکه بستگی دارد به اینکه آنها چگونه به یکدیگر می‌نگرند؛ (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۵۳) از این رو، می‌توان گفت نگرش بازیگران اصلی نظام بین‌الملل به کشورهای انقلابی نه فقط به دلیل برخورداری

آنها از تکنولوژی هسته‌ای یا دارا بودن سلاح اتمی است، بلکه به دلیل خواسته‌شان که خواهان تغییر وضع موجود نظام بین‌الملل اند تهدیدآمیز می‌باشد.

از دیدگاه والٹ هرگاه بازیگری در صدد گسترش قالب‌های دینی، یا رهیافت‌های معطوف به تغییر وضع موجود باشد، آن‌گاه زمینه برای پیمان‌های عکس‌العملی در چهارچوب موازنه تهدید حاصل می‌شود، بنابراین، آنچه رویکرد معطوف به انقلابی‌گری تلقی می‌شود، با واکنش‌های عکس‌العملی پیچیده و متنوع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی همراه خواهد بود. (Walt, 1987: 26)

ب) بررسی فرضیه رقیب (رابطه میان نگرانی آمریکا از سلاح اتمی و مناقشه با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران)

نگرانی آمریکا از دستیابی ایران به سلاح اتمی می‌تواند از دلایل مناقشه آمریکا با فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران تلقی گردد که در این مقاله در مقام فرضیه رقیب بررسی و ارزیابی می‌شود. همواره ایالات متحده آمریکا ایران را به تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای متهم کرده است. این موضوع از زمان دولت کلینتون وجود داشته و از زمان آغاز چالش پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۱۳۸۲ تاکنون بسیاری از مقامات آمریکایی به آن توجه کرده‌اند؛ مثلاً آنتونی لیک^۱ از مقامات ارشد دولت کلینتون در سال ۱۳۷۲ اعلام می‌کند: «ایران فعالانه می‌کوشد تا به‌طور مخفیانه تسلیحات متعارف، تسلیحات هسته‌ای و موشک‌های دوربرد تهیه کند و بدین طریق دوستان آمریکا در منطقه خاورمیانه را با تهدید براندازی روبه‌رو نماید.» پاتریک کلاوسون^۲ از دیگر شخصیت‌های آمریکایی نیز اعلام کرد: «آنچه بیش از همه، زنگ‌ها را به صدا درآورده، این است که ایران برنامه دستیابی به سلاح هسته‌ای را آغاز کرده است.» (خلیلی، ۱۳۸۳: ۷۴)

1. Anthony Lake.

2. Patrick Clowson.

جورج بوش^۱ و بسیاری از مقامات دولت او (رامسفلد،^۲ پل ولفوویتز،^۳ جورج تننت،^۴ کاندولیز رایس،^۵ و پاول^۶) نیز از کسانی بوده‌اند که به مناسبت‌های گوناگون ایران را به تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی متهم کرده‌اند. (کمپ، ۱۳۸۴: ۱۰۶-۱۰۸) او یا ما^۷ و مقامات دولت وی نیز، بارها درباره این مسئله علیه ایران سخن گفته، و وعده داده‌اند که از دستیابی ایران به سلاح اتمی، و از قدرت‌یابی هسته‌ای آن جلوگیری خواهند کرد. (متقی، ۱۳۸۹: ۲۴)

در همین رابطه سالانه سازمان سیا نیز اطلاعات مغرضانه و غیر واقعی‌ای را منتشر می‌کند که در آنها ایران در صدد دستیابی به سلاح اتمی است؛ مثلاً در یکی از گزارش‌های سیا درباره وضعیت هسته‌ای ایران چنین آمده بود:

ایران به شدت برنامه سلاح‌های کشتار جمعی و وسایل پرتاب آنها و نیز سلاح‌های متعارف پیشرفته را دنبال می‌کند و بدین منظور در جست‌وجوی وارد کردن مواد اولیه، تجهیزات و دانش فنی ایجاد سیستم‌های تسلیحاتی کامل است. در حال حاضر این کشور برای تحقق هدف مزبور تلاش‌های خود را بر روسیه، چین، کره شمالی و اروپا متمرکز کرده است. (csis.org)

در برآوردی دیگر، سیا گزارش‌های بسیاری را از اینکه ایران فقط دو سال با داشتن بمب اتم فاصله دارد، منتشر کرده است، (Mizin, 2004: 16) یا در برآورد دیگری سازمان سیا نشان می‌دهد که ایران می‌تواند قابلیت پرتاب مفید با چند صد کیلوگرم موشک قاره پیمای (ICBM) را به ایالات متحده در نیمه دوم دهه آینده دارا باشد. (Lesser, 2004: 266)

شاخصه‌های مؤید فرضیه رقیب از نگاه مقامات آمریکایی

در تقسیم‌بندی کلی از دیدگاه مقامات آمریکایی می‌توان موارد زیر را شاخصه‌های پشتیبان و مؤید ادعای دستیابی ایران به سلاح اتمی دانست:

1. George Bush.
2. Donald Rumsfeld.
3. Paul Wolfowitz.
4. George Tenet.
5. Condoleezza Rice.
6. Colin Powell.
7. Barack Obama.

۱. بی‌نیازی از انرژی هسته‌ای به دلیل ذخایر غنی نفت و گاز در ایران: مقامات آمریکایی برای توجیه نیاز نداشتن ایران به انرژی هسته‌ای می‌کوشند این موضوع را برجسته کنند که ایران با داشتن دریایی از نفت و گاز، به تکنولوژی اتمی برای تأمین انرژی نیاز نخواهد داشت. (گلشن پژوه، ۱۳۸۴: ۱۰۸). بنابراین، اگر ایران به بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای اصرار دارد، باید به نیت این کشور برای دستیابی به سلاح اتمی شک داشت؛

۲. توجیه اقتصادی نداشتن برنامه هسته‌ای ایران: کارشناسان آمریکایی در ادامه توجیه پیشین گاه برای تأیید ادعای دستیابی ایران به سلاح اتمی بیان می‌کنند که چنین برنامه گسترده‌ای از نظر اقتصادی به نفع ایران نیست و مقرون به صرفه نمی‌باشد؛ به‌ویژه ایران تحریم است و به آسانی به بازار آزاد دسترسی ندارد و حتی گاهی هزینه‌های بیشتری صرف می‌کند. (احدی، ۱۳۸۴: ۱۵۵)؛

۳. تأمین سوخت هسته‌ای ایران از جانب غربی‌ها: آمریکایی‌ها مدعی‌اند ایران می‌تواند نیازهای مربوط به سوخت هسته‌ای خود را از کشورهای اروپایی خریداری و تأمین کند و دلیلی ندارد که در این باره به خودکفایی برسد؛ (احدی، ۱۳۸۴: ۱۵۵) از این رو، تلاش ایران برای خودکفایی در تأمین سوخت هسته‌ای خود را می‌توان دلیلی در راستای دستیابی به سلاح اتمی تفسیر کرد؛

۴. کوتاهی ایران در دادن اطلاعات به آژانس اتمی: مقام‌های آمریکایی تأکید می‌کنند با وجود همه سخنان آشتی‌جویانه، مقام‌های ایرانی درباره حدود برنامه هسته‌ای ایران صادق نبوده‌اند. این افراد تصریح می‌کنند تا زمانی که ایران براساس گزارش‌های آژانس مجبور نشده بود، درباره فعالیت‌های هسته‌ای خود حقیقت را بیان نکرد، و حتی پس از آن، درباره توانایی ایران برای گسترش برنامه‌های غنی‌سازی اش توضیح روشنی نداد. (احدی، ۱۳۸۴: ۱۵۶)؛

۵. فاصله نزدیک فعالیت‌های صلح‌آمیز صنعتی هسته‌ای با دستیابی به سلاح اتمی از نظر تکنولوژیکی: در مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب، به طرح مفهوم گریز هسته‌ای مؤثر،^۱ و

1. Nuclear Effective Breakout.

فاصله نزدیک فعالیت‌های صلح‌آمیز صنعتی هسته‌ای با دستیابی به سلاح اتمی از نظر فنی بسیار توجه شده است. بر مبنای درخواست مقامات آمریکایی، برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران باید آن قدر محدود شود که زمان دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای طولانی شود و چنانچه ایران اراده کند به سمت تولید سلاح هسته‌ای برود، آمریکا زمان لازم برای واکنش به این اقدام و توقف آن را داشته باشد. (Thielmann: 2014: 1-6)

ج) بررسی فرضیه اصلی (رابطه میان ماهیت انقلاب اسلامی و مناقشه آمریکا با فعالیت‌های هسته‌ای ایران)

پیروزی انقلاب اسلامی که محصول تحولی بنیادین در جامعه ایران بود، از ضرورت تحول در مناسبات قدرت در گستره جهانی به نفع اسلام و بارهبری جمهوری اسلامی ایران سخن به میان آورد. این ایده با نگاه آمریکا، که الگوی «مهندسی جهانی» را بر اساس آموزه‌های امپریالیستی لیبرال دمکراسی، تولید و اجرا کرده بود، تقابل داشت. (افتخاری، ۱۳۸۴: ۵۲) از دید آمریکا، جمهوری اسلامی ایران کشور سرکشی^۱ قلمداد می‌شود که پیامد رفتار آن در سال‌های آغازین انقلاب و تلاشش برای صدور انقلاب، بی‌ثبات‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ (سجادپور و اجتهادی، ۱۳۸۹: ۴۳) از این رو، می‌توان گفت ارتباط تنگاتنگی میان رویکرد تقابلی آمریکا به موضوع هسته‌ای ایران و رویکرد کلی آن به انقلاب اسلامی ایران وجود دارد و این مقاله آن را دلیل اساسی مناقشه آمریکا با فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران و فرضیه اصلی خود می‌داند و بررسی و ارزیابی می‌کند.

شاخصه‌های مؤید فرضیه اصلی عبارت‌اند از:

۱. تعارض منطق انقلاب اسلامی ایران با منطق مدنظر آمریکا: مقابله آمریکا با جمهوری اسلامی ایران، از اختلاف‌های دو حکومت در عرف سیاست‌های معمول جهانی ناشی نمی‌شود، بلکه این اختلاف‌ها ذاتی و راهبردی است و به پندار آمریکا، ریشه بسیاری از

1. rogue state.

مسائل، بازیگری ناهماهنگ ایران در سیستم بین‌المللی مطلوب غرب است. در این میان، موضوع هسته‌ای زمینه‌ای برای تشدید فشارهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

چالش اساسی انقلاب عبارت است از اینکه انقلاب یک نظم جدیدی را برای بشریت ارائه کرده، پیام این انقلاب، پیامی بود که نمی‌تواند و نمی‌توانست در مرزهای ایران منحصر بماند. (این پیام) مقابله با نظام سلطه است؛ نظام سلطه، نظام تقسیم دنیا به ظالم و مظلوم است. منطق انقلاب که منطق اسلام است «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره: ۲۷۹) است. چالش اصلی اینجاست، بقیه حرف‌ها بهانه است. مسئله انرژی هسته‌ای را در این چهارچوب باید نگاه کرد. (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی)

ایشان در جای دیگری فرمودند:

محافل سیاسی و رسانه‌ای دنیا از خطر ایران هسته‌ای دم می‌زنند که ایران هسته‌ای خطر دارد! من می‌گویم اینها دروغ می‌گویند، اینها فریب‌گری می‌کنند. آنچه آنها از آن می‌ترسند، و باید هم بترسند ایران هسته‌ای نیست. ایران اسلامی است. ایران اسلامی است که ارکان قدرت استکباری را به لرزه انداخته است. (رهبری، ۱۳۹۱: سخنرانی)

از این رو، مواضع آمریکا در برابر فعالیت‌های هسته‌ای ایران فقط معلول الزامات رژیم کنترل تسلیحات نیست، بلکه از نقش خاص ایران در سیستم بین‌الملل متأثر است. سران آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را دولتی می‌بینند که با ساز و کارهای گوناگون، نظم منطقه‌ای مطلوب و مطابق هژمونی آمریکا را به چالش کشیده و منافع آن را تهدید کرده است. سیاست امنیتی ایران در عراق، سوریه، لبنان و فلسطین با منافع و ملاحظات کاخ سفید در منطقه و سلطه منطقه‌ای اسرائیل تعارض دارد. در چنین وضعیتی، هسته‌ای شدن ایران برای آمریکا، تحمل‌ناپذیر است و چنین نگاهی به موقعیت و مقاصد ایران باعث شده حتی همکاری‌های ایران با غرب نیز، نامطمئن و شکننده قلمداد شوند. (قنبرلو، ۱۳۸۷ الف: ۸۴۲)؛

۲. رویکرد حمایتی آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران پیش از انقلاب اسلامی:

قرار گرفتن ایران در مسیر هسته‌ای شدن از نظر تاریخی پیش از وقوع انقلاب اسلامی و با

حمایت آمریکا عملی شد. طرح اتم برای صلح در دوره ریاست جمهوری آیزنهاور و برای تلطیف فضا پس از انفجارهای اتمی هیروشیما و ناکازاکی مطرح شد، آمریکایی‌ها اعطای امتیاز به کشورهای دوست خود، از جمله ایران را آغاز کردند. همچنین در فضای جنگ سرد حاکم بر روابط دو ابرقدرت، ایالات متحده آمریکا عقیده داشت احتمال دارد شوروی سابق ایران را هدف نظامی‌اش قرار دهد. آیزنهاور، رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۳۳۶، هنگام دیدار با سران انگلستان، فرانسه و آلمان غربی، نگرانی‌اش را از احتمال حمله ناگهانی شوروی به مرزهای شمالی ایران اعلام، و به دوستان غربی‌اش تأکید کرد که برای حفظ منافع آمریکا لازم است ایران اتمی شود. (خلیلی، ۱۳۸۳: ۶۸)

برخی اقدام‌های بعدی آمریکا در این باره عبارت بود از:

- موافقت‌نامه همکاری تأمین سوخت رآکتورهای هسته‌ای صلح‌آمیز در سال ۱۳۳۶

(غریب‌آبادی، ۱۳۸۶: ۴۹)؛

- حذف محدودیت‌های تحویل اورانیوم بالای ۲۰ درصد به ایران در سال ۱۳۴۳

(نظر آهاری، ۱۳۸۵: ۳)؛

- راه‌اندازی اولین رآکتور ۵ مگاواتی در سال ۱۳۴۶ با کمک آمریکا در تهران (صالحی،

۱۳۸۳: ۸)؛

- در اختیار قرار دادن اورانیوم با غنای ۹۳ درصد جهت تحقیق استادان دانشگاه تهران

(Patrikarakos, 2012: 17)

- تصمیم آمریکا به بازگویی جزئیات فروش ۶ میلیارد دلار تجهیزات هسته‌ای در

سال ۱۳۵۴ (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۹)؛

افزون بر آن، سازمان انرژی اتمی با واشنگتن، بن و پاریس قراردادهای به ترتیب در سالهای ۱۳۵۴، ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ برای تأمین سوخت اورانیوم کمتر غنی شده منعقد کرد.

همچنین، آلمان‌ها براساس قراردادشان با سازمان انرژی اتمی ایران در سال ۱۳۵۳ به نصب دو رآکتور ۱۲۰۰ مگاواتی در بوشهر، و فرانسوی‌ها در سال ۱۳۵۶ به تأسیس دو

نیروگاه هسته‌ای با ظرفیت ۹۰۰ مگاوات در دارخوین متعهد شدند. (باقری، ۱۳۸۳: ۲۲)

به‌طور کلی از مجموع فعالیت‌های رژیم سابق درباره مسئله هسته‌ای و شیوه مواجهه ایالات متحده آمریکا با آن، نتیجه می‌گیریم رویکرد این کشور در قبال ایران در دوره پهلوی، رویکردی تعاملی بوده و آمریکا از هسته‌ای شدن ایران حمایت و آن را تشویق می‌کرد؛

۳. رفتار خصمانه آمریکا و غرب در برابر اعتمادسازی مکرر مقامات ایرانی در پرونده هسته‌ای: اعتمادسازی از اصول رفتاری جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با رویکرد غرب درباره پرونده هسته‌ای ایران است که در همه دولت‌های درگیر پرونده هسته‌ای، به‌ویژه در دولت هشتم و دولت یازدهم، بر آن تأکید فراوانی شده است. این نکته فرض بنیادین این راهبرد را تشکیل می‌دهد که ریشه بحران به وجود آمده درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران اسلامی، نوعی بی‌اعتمادی مزمن، فزاینده و البته غیر ضروری و بیشتر ناشی از سوء تفاهم بین طرفین است؛ از این رو، ایران گام‌های اعتمادساز بسیاری را، چه در دوره اصلاحات، و چه در دوره دولت جدید، آن هم پس از توافق ژنو برداشت. شرح برخی اقدامات ایران و پاسخ‌های کشورهای غربی در دوره اصلاحات چنین است:

- امضای توافقنامه سعدآباد با سه کشور اروپایی و پذیرفتن داوطلبانه تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی، امضاء و به اجرا گذاردن داوطلبانه پروتکل الحاقی در اکتبر ۲۰۰۳ / مهر ۱۳۸۲؛

- انعقاد موافقت‌نامه در فوریه ۲۰۰۴ / بهمن ۱۳۸۲ بین ایران و سه کشور اروپایی در بروکسل^۱ و افزایش تعهدات ایران در زمینه ارائه اظهارنامه بر طبق پروتکل الحاقی، تعلیق مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها، تعلیق ساخت داخلی قطعات سانتریفیوژ و اعمال تعلیق فعالیت‌های غنی‌سازی به همه تأسیسات موجود در ایران (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۷۷)؛

- انعقاد موافقت‌نامه پاریس در نوامبر ۲۰۰۴ / آبان ۱۳۸۳ و تعهد ایران که تا رسیدن مذاکرات به جمع‌بندی مشخص، در ماه‌های آینده به صورت داوطلبانه همه فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری و به‌طور مشخص، تولید و واردات سانتریفیوژهای

1. Brussel.

گازی، هرگونه اقدام برای جداسازی پلوتونیوم، یا ساخت، یا تهیه تأسیسات جداسازی پلوتونیوم و همه آزمایش‌ها یا تولید در هر یک از تأسیسات تبدیل اورانیوم را به حالت تعلیق در آورد. (قنبرلو، ۱۳۸۷ الف: ۸۳۶)

در ازای توافق سعدآباد قرار شد پرونده هسته‌ای ایران از حالت اضطراری خارج و در چهارچوب آژانس حل و فصل شود، اما آژانس، طی گزارش‌های آتی‌اش از بقای برخی ابهام‌ها در فعالیت‌های هسته‌ای ایران خبر داد و پرونده هسته‌ای ایران را به حالت اضطراری باقی گذاشت و همچنان ایران را به قصور و پنهان‌کاری و نقض مقررات متهم کرد.

بعد از توافق بروکسل کشورهای اروپایی متعهد شدند پرونده ایران را از دستور کار شورای حکام خارج کنند و آن را کاملاً ببندند. با وجود این نه فقط موضوع هسته‌ای ایران در اجلاس ژوئن ۲۰۰۴/ خرداد ۱۳۸۳ شورای حکام از دستور کار خارج نشد، بلکه قطعنامه شدیدالحنی نیز علیه ایران در این اجلاس به تصویب رسید. (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۷۷)

بعد از گذشت حدود ۹ ماه از انعقاد موافقتنامه پاریس و اجرای تعلیق گسترده از سوی ایران، طرف اروپایی برای انعقاد ترتیبات درازمدت جهت حل و فصل موضوع هسته‌ای طبق توافق پاریس هیچ طرحی را پیشنهاد نکرد؛ از این رو، ایران طی نامه‌ای به مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۱ اوت ۲۰۰۵/ ۱۰ مرداد ۱۳۸۴ قصد خود را مبنی بر از سرگیری فعالیت‌های تأسیسات UCF اصفهان ابراز داشت. در پی این اقدام ایران، طرف اروپایی بسته خود را تحت عنوان چهارچوب موافقتنامه درازمدت بین ایران و سه کشور با حمایت اتحادیه اروپا در ۵ اوت ۲۰۰۵/ ۱۴ مرداد ۱۳۸۴ به ایران پیشنهاد نمود. این بسته در سه بخش سیاسی و امنیتی، اقتصادی و فناوری، و هسته‌ای تنظیم شده بود. اروپایی‌ها براساس حمایت آمریکا با طرح یک‌سری پیشنهادها غیرهسته‌ای که جنبه اجرایی آنها نیز با ابهام مواجه بود، از ایران خواستند فعالیت‌های چرخه سوختش را متوقف کند و این‌گونه غربی‌ها خواسته اساسی خود، یعنی توقف فعالیت‌های چرخه سوخت هسته‌ای را در قالب این بسته پیشنهاد کردند.

این اقدام غرب نشان داد که تلاش‌های اعتمادساز ایران در تغییر رویکردشان درباره موضوع هسته‌ای ایران اثر چندانی نداشته است، بلکه حتی تمایل سیاسی وجود دارد تا پرونده هسته‌ای ایران را از مسیر طبیعی منحرف سازد.

در دولت یازدهم و پس از توافق ژنو نیز که ایران به‌طور داوطلبانه تعهدات فراوانی را درباره اکسیدکردن نیمی از اورانیوم غنی شده ۲۰ درصد، و رقیق نمودن نیم دیگر آن به سطح کمتر از ۵ درصد، گسترش ندادن تأسیسات سوخت هسته‌ای در نطنز، فردو و اراک، دادن اطلاعات مشخص به آژانس انرژی اتمی، دسترسی روزانه بازرسان آژانس به فردو و نطنز و... را پذیرفت، ولی عملکرد کشورهای اروپایی و آمریکا نشان داد که برخلاف ادعای مطرح شده، تحریم آمریکا علیه ایران متوقف نشده است. بر پایه گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا (treasury.gov) تقریباً در مدت هشت ماه پس از توافق ژنو، آمریکا بیش از ۵۵ تحریم جدید را علیه شرکت‌ها، بانک‌ها و افراد، با ادعای ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران یا مسائل حقوق بشر و تروریسم اعمال کرده است. این موارد نشان می‌دهد اگر غرب و آمریکا واقعاً برای دستیابی ایران به سلاح اتمی نگران‌اند، باید در برابر اقدام‌های اعتمادساز ایران واکنش مناسب در پیش گیرند، نه اینکه اقدام‌های اعتمادساز ایران را به مثابه امتیازهایی تفسیر کنند که بر اثر فشار و گذار نموده است؛

۴. تحقق اهداف انقلاب اسلامی در نتیجه حصول قدرت و کارآمدی ناشی از فناوری هسته‌ای: دستیابی جمهوری اسلامی ایران به فناوری هسته‌ای با توجه به توان ظرفیت‌سازی که این انرژی دست کم در حوزه‌های اقتصادی، صنعتی و تکنولوژیک، سیاسی و بین‌المللی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین دفاعی و امنیتی ایجاد خواهد کرد، در مقوله ابزارها و امکانات کشور جهش بزرگی را پدید خواهد آورد، به گونه‌ای که می‌توان گفت در نتیجه در اختیار گرفتن کامل این تکنولوژی، نوعی توازن^۱ میان اهداف و ابزارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به وجود خواهد آمد و این کشور را

1. Balance.

از نظر درجه‌بندی قدرت به درجه بالایی ارتقا می‌دهد، به گونه‌ای که امکان پیگیری و دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی بیشتر خواهد شد.

بنابراین، از دیدگاه آمریکا این مؤلفه قدرت، برای ایران پذیرفتنی نیست؛ زیرا جمهوری اسلامی ایران مستقل عمل می‌کند و در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش دنباله‌روی دولت آمریکا نیست؛ (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۷: ۹۹) از این رو، اگر ایران به تکنولوژی هسته‌ای تجهیز شود، می‌تواند قدرتمندترین عضو مجموعه امنیتی خاورمیانه گردد. بنابراین، آمریکا می‌کوشد با اعمال فشار و انزوای ایران این کشور را به توقف فعالیت‌های هسته‌ای خود وادار نماید. (محسنی و صالحی، ۱۳۹۰: ۶۲۲)؛

۵. مقایسه رفتار متناقض آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران و دیگر کشورها: در حالی که ایران در پیمان ان. پی. تی^۱ و دیگر پیمان‌های مبارزه با گسترش جنگ‌افزارهای شیمیایی و میکروبی عضو است، با مانع‌تراشی و مخالفت آمریکا درباره موضوع هسته‌ای خود مواجه است، اما برنامه‌های هسته‌ای کشورهایی مانند هند، رژیم صهیونیستی، برزیل، پاکستان، کره جنوبی و ژاپن از دید آمریکا خطرناک نیست و این کشور برای توقف برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم و انجام‌دادن آزمایش‌های هسته‌ای در این کشورها آنها را تحت فشار قرار نمی‌دهد. حتی پس از آنکه پدر اتمی پاکستان، عبدالقدیر خان، مسئله فروش فناوری هسته‌ای را به ایران، لیبی و کره شمالی مطرح کرد، آمریکا این متحدان را تهدیدی جدی در اشاعه فناوری هسته‌ای ندانست. (گاریالدی، ۱۳۸۴: ۱۳)؛

۶. مقابله با عرضه الگوی موفق خوداتکایی هسته‌ای توسط کشوری انقلابی به کشورهای جهان سوم: دستیابی ایران اسلامی به توانمندی صلح‌آمیز هسته‌ای آن هم با وجود مخالفت‌های قدرت‌های بزرگ جهان، و موانع گسترده آنها، برای آمریکا تحمل‌ناپذیر است؛ زیرا نخست، کشوری انقلابی، مسلمان و مخالف سیاست‌های آمریکا می‌تواند این گونه نوعی هژمونی منطقه‌ای را به دست آورد و مهم‌تر اینکه متحدان و هم‌پیمانان آمریکا به این نتیجه خواهند رسید که کشورهای انقلابی و مخالف آمریکا در صورت

1. NPT.

دنبال کردن سیاست خوداتکایی راهبردی، سرانجام به این توان دست خواهند یافت. (غریباق زندی، ۱۳۸۸: ۱۰۳) موفقیت چنین الگویی با گزاره بدون تکیه بر آمریکا هیچ توسعه و پیشرفت مهمی صورت نمی‌گیرد، در تعارض است و فرموده مقام معظم رهبری را اثبات می‌کند: «آنها با هر کشوری که خارج از قلمرو قدرت آنها به توسعه و به سمت رقابت با آنها حرکت کند، مخالف‌اند». (رهبری، ۱۳۸۴: سخنرانی)؛

د) تجزیه و تحلیل و ارزیابی

آمریکایی‌ها، فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به دلیل وجود ذخایر عظیم انرژی فسیلی، مقرون به صرفه نبودن، امکان خریداری سوخت هسته‌ای از شرکت‌های غربی، قصور ایران در دادن اطلاعات به آژانس، و مسئله گریز هسته‌ای توجیه‌ناپذیر می‌دانند که توجه به این نکات راهگشا خواهد بود:

– درباره ادعای وجود ذخایر غنی نفت و گاز و بی‌نیازی به سوخت هسته‌ای می‌توان گفت وجود انرژی هسته‌ای در کنار انرژی‌های فسیلی باعث تحرک بیشتر بهبود وضعیت اقتصادی و فنی پیش‌بینی شده در چشم‌انداز توسعه می‌شود و انرژی‌های فسیلی و هسته‌ای می‌توانند در تعامل با یکدیگر به بهبود وضعیت داخلی از نظر اقتصادی کمک کنند. (غریباق زندی، ۱۳۸۶: ۱۳). همچنین ذخایر انرژی نفت و گاز هر قدر غنی باشند، سرانجام تمام می‌شوند، بنابراین، روی آوردن به انرژی‌های جایگزین و نگهداری انرژی نفت و گاز برای نسل‌های آینده، یا تبدیل آنها به فرآورده‌های ارزشمندتر ضروری است، از این رو، دولتمردان ایران به بهره‌برداری از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای پرداخته‌اند. ضمن اینکه مدیریت بهره‌برداری از منابع انرژی هسته‌ای نیز، در جای خود اهمیت شایانی دارد؛

– درباره ادعای مقرون به صرفه نبودن فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای باید گفت که با توجه به نرخ رشد جمعیت و سیاست‌های توسعه اقتصادی در سال‌های آینده، جمهوری اسلامی ایران سالانه به هفت هزار مگاوات برق نیاز دارد که برای تولید این

میزان برق از طریق نیروگاه‌های سوخت فسیلی، سالانه باید دو بیست میلیون بشکه نفت مصرف شود که افزون بر بالابودن معادل پولی آن، آلودگی‌های زیست‌محیطی هم، خواهد داشت؛ در حالی که برای تولید همین میزان برق از طریق نیروگاه‌های هسته‌ای غیر از سرمایه‌گذاری نخستین هزینه بسیار کمتری نیاز است. (جوانی، ۱۳۸۳: ۴۷) همچنین استفاده از منابع نفتی در صنایع تبدیلی مانند پتروشیمی به مراتب ارزش بیشتری برای کشور در پی خواهد داشت و مصرف آن در داخل برای تأمین سوخت، به شدت ارز حاصل از صادرات نفت خام و گاز طبیعی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۵۶) همچنین اگر این ادعا را بپذیریم، این پرسش مطرح می‌شود که دولت‌مردان کشور آمریکا تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به این موضوع توجه نمی‌کردند و به رژیم پهلوی رویکردی حمایتی و تشویقی داشتند، و چگونه از تمایل کشورشان برای سرمایه‌گذاری هسته‌ای در عربستان سعودی خبر می‌دهند، در حالی که عربستان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت در جهان شناخته می‌شود. (عصاره، ۱۳۹۲: ۱۸۵)؛

- درباره ادعای امکان خریداری و تأمین سوخت هسته‌ای از شرکت‌های غربی نیز، باید به نبودن تضمین لازم برای تأمین نیازهای هسته‌ای کشور اشاره کرد. تاکنون در واقع کشورهای صنعتی هیچ نوع تعهد الزام‌آور حقوقی برای تأمین سوخت مورد نیاز رآکتورهای هسته‌ای را نداده‌اند. (احدی، ۱۳۸۴: ۱۵۵) در دهه ۱۳۶۰ آژانس کمیته‌ای بانام تضمین تأمین نیازهای هسته‌ای، برای رفع نگرانی کشورهای پهلوی که نیروگاه دارند، ولی سوخت تولید نمی‌کنند ایجاد کرد، اما هفت سال مذاکره این کمیته نتیجه‌ای نداشت، بنابراین، هیچ سند بین‌المللی الزام‌آور حقوقی برای تضمین تأمین سوخت هسته‌ای وجود ندارد. همچنین رفتار گذشته غربی‌ها برای تأمین سوخت هسته‌ای مورد نیاز ایران دلیل دیگری برای انتخاب گزینه خودکفایی است. آمریکا پیش از انقلاب اسلامی قراردادای برای تحویل سوخت رآکتور اتمی تهران داشت، اما پس از انقلاب مانع حمل سوخت آماده به ایران شد. ایران ۶۰ تن UF₆ در اروپا دارد که هنوز به کشور تحویل نداده‌اند. ایران سوخت اولیه نیروگاه بوشهر را از زمینس خریداری کرده بود، اما بیش از

۳۵ سال توقیف شد و آن را به ایران تحویل ندادند، و سرانجام نیز، مجوز صادرات آن به ایران لغو شد. همچنین ایران ۱۰ درصد سهام کارخانه غنی‌سازی یورودیف را دارد، اما حتی یک گرم اورانیوم به ایران داده نشد که ایران برای تولید رادیوایزوتوپ‌ها با کاربرد پزشکی به آن نیاز فوری داشت. (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۶۳ و ۶۴) طبیعی است این مسائل هر کشوری را به انتخاب گزینه خود کفایی مجبور می‌کند؛

- درباره کوتاهی ایران در دادن اطلاعات به آژانس باید گفت که قصور اعلام شده در گزارش‌های ایران بسیار جزئی، (احدی، ۱۳۸۴: ۱۵۶) و به سبب قطعات وارداتی است و تاکنون هیچ‌گاه آژانس بر انحراف ایران به سمت سلاح اتمی صحنه نگذاشته، و هیچ‌گونه مدرکی مبنی بر اینکه ایران در پی تسلیحات هسته‌ای است، نشان نداده است. (ظریف، ۱۳۹۲: yjc.ir)؛

- درباره فاصله نزدیک فناوری هسته‌ای ایران و دستیابی به سلاح اتمی باید گفت، با وجود نظارت‌های پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در بسیاری از موارد حتی فراتر از پروتکل‌های مرسوم بین‌المللی است، هیچ‌کدام از اجزا و عناصر برنامه هسته‌ای ایران از دید بازرسان آژانس پنهان نمی‌ماند. همچنین ایران با اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی، امکان بازرسی‌های وسیع و سرزده از همه مناطق مورد نظر، اعم از تأسیسات اعلام شده و نشده را برای بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی فراهم می‌کند که در این صورت، امکان انحراف در فعالیت‌های ایران وجود نخواهد داشت. همچنین، تعهدات داوطلبانه ایران در توافقنامه ژنو و محدودیت‌های اعمالی بر برنامه هسته‌ای اش اثبات کرد که ایران به هیچ‌وجه در پی تولید سلاح هسته‌ای نیست و حتی اگر بخواهد، به لحاظ فنی و با توجه به بازرسی‌های دقیق و روزانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، دست کم در کوتاه مدت امکان عملی ساختن آن را نخواهد داشت. وجه التزام این موضوع با توجه به توقف غنی‌سازی ۲۰ درصد، و تبدیل ذخایر اورانیوم به اکسید مشخص می‌شود. بنابراین، باید گفت که طرح موضوع گریز هسته‌ای ایران بیشتر ژست سیاسی و فشار رسانه‌ای آمریکاست و در واقعیت عینی ریشه ندارد. در واقع، آمریکا با طرح این موضوع در پی بیشترین امتیازگیری است که هم می‌تواند محدودیت‌های

فرآپادمانی و غیرسیستمی بر برنامه هسته‌ای ایران اعمال کند، و هم در آینده این دستاویز را ابزاری برای فشار دائمی بر ایران حفظ نماید. (صادقی، ۱۳۹۳: inhnews.ir)

در نهایت فراتر از بحث فنی، تضمین اساسی ایران بر منصرف نشدن برنامه هسته‌ای فتوای رهبر معظم انقلاب^۱ درباره منع ساخت سلاح هسته‌ای، و دکترین نظامی جمهوری اسلامی ایران براساس آن است.

باتوجه به رد شدن دلایل مؤید نگرانی آمریکا از دستیابی ایران به سلاح اتمی، ریشه مناقشه این کشور با فعالیت‌های صلح‌آمیز ایران چگونه تبیین می‌شود؟ چون بسیاری از دلایل مدنظر آمریکا برای توجیه نگرانی این کشور از دستیابی ایران به سلاح اتمی باید پیش از انقلاب نیز مصداق پیدا می‌کرد، می‌توان نتیجه گرفت که رفتار آمریکا در مواجهه با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، در چهارچوب نگرششان به انقلاب اسلامی و آرمان‌هایش، و نظام ارزشی حاکم بر ایران ریشه دارد.

مقایسه وضعیت هسته‌ای ایران پیش و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نشان داد که رویکرد آمریکا در قبال دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای از رویکردی تشویقی و تعاملی به رویکردی تقابلی و چالشی تغییر کرد.

بر پایه تئوری موازنه تهدید، کشورهای غالب نظام بین‌الملل در مقابل کشورهای با اهداف انقلابی و فرامرزی در پی ایجاد توازن‌اند؛ از این رو، افزایش قدرت آنها را تهدید می‌دانند؛ به عبارت دیگر آنچه در روابط میان قدرت‌های بین‌المللی و کشورهای انقلابی اهمیت دارد، برداشت و ادراک آنها از اهداف کشورهای انقلابی و میزان قدرتشان در مقام تهدید است، بر این اساس، نوع روابط قدرت‌های خارجی، به ویژه آمریکا با رژیم پیشین ایران موجب می‌شد نه فقط از افزایش قدرت این رژیم نگران نباشند، بلکه یاری‌کننده و مشوق آن برای تجهیز به فناوری هسته‌ای باشند. آمریکایی‌ها، پیش از

۱. «جمهوری اسلامی ایران براساس مبانی دینی و فقهی هیچ‌گاه قائل به استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نیست.»

(رهبری، ۱۳۸۲: سخنرانی) «ما اعلام کردیم که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای از نظر اسلام حرام و ممنوع است.»

(رهبری، ۱۳۸۸: سخنرانی)

انقلاب روابط صمیمانه‌ای با ایران داشتند و از این روابط منافع اساسی و استراتژیکی به دست می‌آوردند؛ و ایران را از متحدان اصلی خود در خاور میانه می‌دانستند و بر اساس استراتژی دوستونی «نیکسون و کسینجر» نقش ژاندارمی نظامی خود را در منطقه به شاه واگذار نمودند.

افزون بر نقش ژاندارمی منطقه، کار ویژه ایران زمان شاه تأمین منافع آمریکا در منطقه بود که استمرار جریان صدور نفت خام به غرب، حفظ بازار کالاهای غربی، تأمین امنیت رژیم صهیونیستی، پشتیبانی و حمایت از دوستان و متحدان منطقه‌ای آمریکا، دفاع در مقابل کمونیسم و سرکوبی قیام‌های مردمی را شامل می‌شد. (حیسی، ۱۳۸۵: ۴۷) همچنین رژیم پهلوی تأمین‌کننده و حافظ منافع ایالات متحده آمریکا در منطقه بود؛ از این رو، آمریکا ایران را به دستیابی فناوری هسته‌ای ترغیب و این تکنولوژی را به ایران منتقل نمود. جفری کمپ^۱ در این باره می‌گوید:

وقتی شاه برنامه هسته‌ای ایران را در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ شروع کرد، آمریکا فرصت زیادی داشت تا نیروگاه بوشهر را تعطیل کند. اما شاه، متحد آمریکا و محکم‌ترین ستون دفاعی این کشور در خلیج فارس بود. از طرفی اسرائیل را شناسایی کرده بود و به‌طور کلی سیاست‌هایش در جهت منافع آمریکا بود. (Kemp, 2004: 45)

انقلاب اسلامی ایران به سرنگونی محمدرضا و فروپاشی حکومت یکی از هم‌پیمانان و متحدان غرب، به‌ویژه آمریکا، منجر شد، در نظام بین‌الملل امواج گسترده‌ای را در مقیاس منطقه‌ای و جهانی ایجاد کرد. در این وضعیت جدید کشوری که طی سال‌های متمادی جزیره ثبات، ژاندارم منطقه و از پایه‌های اساسی استراتژی‌های آمریکا بود، به عامل بی‌ثباتی و برهم‌زننده ساختار و نظم دلخواه این کشور بدل شد و سیستم‌های امنیتی آن را مختل کرد.

زمانی انقلاب اسلامی ایران اتفاق افتاد که سیستم بین‌الملل دو قطبی بود و تقریباً همه کشورها به متحدان یا حوزه‌های نفوذ دو ابر قدرت آمریکا و شوروی تقسیم شده بودند.

1. Geoffrey Kemp.

یکی از انگیزه‌های مهم مردم و رهبران ایران از انقلاب علیه شاه، سازگاری آن رژیم با سیستم موجود بود. آشکار بود طبق رویکرد قانون اساسی جدید ایران، آن سیستم و ساختار موجود پذیرفتنی نبود و ضروری بود برای تغییر آن جدی اقدام شود. تصریح ایده‌هایی مانند امت واحد جهانی، پیروزی مستضعفان بر مستکبران و... ریشه در آموزه‌های دینی حاکم بر تئوریسین‌های اسلام‌گرای انقلاب داشت که حضرت امام خمینی علیه السلام نیز بر آن تأکید داشت. (قنبرلو، ۱۳۸۷: ب: ۳۶۰)

بر اساس این مراتب و مبتنی بر اصول متعدد قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، اهداف وسیع و گسترده‌ای را در جهت گیری‌های سیاست خارجی، و پیگیری مطالباتی دنبال می‌کرد؛ مانند تعهد برادرانه و دفاع از حقوق مسلمانان، حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان، حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران، عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر، نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.

در این چهارچوب، امواج ناشی از انقلاب ایران به حرکت‌های احیاططلبانه اسلامی در خاورمیانه حیاتی تازه بخشید و با استقبال ملت‌ها و نگرانی و دغدغه روبه‌افزایش دولت‌های منطقه مواجه شد. به گفته برنارد لوئیس^۱ در سطح جهان اسلام این انقلاب تأثیرات شگرف و عمیقی بر همه جوامعی که با آنها منظومه‌گفتمان مشترک داشت، بر جای گذارد و در نهایت در سطح جهانی، باعث چالش اصالت و مشروعیت نظام دو قطبی سال‌های پایانی جنگ سرد شد. اعتراض شدید ایران به وجود حق و تودر شورای امنیت سازمان ملل، انتقاد به مناسبات اقتصادی ناعادلانه میان کشورهای صنعتی و در حال توسعه و نیز یک‌سویه بودن روابط فرهنگی میان شمال و جنوب، به‌ویژه به چالش کشیدن قدرت و هیمنه آمریکا و تحقیر آن از دیگر نقش‌آفرینی‌های پررنگ انقلاب اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی بود. (حسن‌خانی، ۱۳۸۹: ۳۴۲-۳۵۸)

1. Bernard Lewis.

آمریکا که همراه دیگر قدرت‌های غالب نظام بین‌الملل همواره بر حفظ وضع موجود تأکید می‌کردند، پس از انقلاب ایران با نظامی مواجه شدند که سیاست خارجی برخاسته از آن هنجارهای حاکم بر این نظام را نپذیرفت و مدعی طرح نظم‌نوینی در عرصه بین‌المللی است. در چنین وضعیتی قدرت‌های برتر بین‌المللی، سیاست‌های خارجی ایران را در عرصه روابط بین‌الملل به مثابه سیاست‌ها و رفتارهایی خارج از قاعده و عرف بین‌المللی و حتی به مثابه تهدید دانستند.

از دید این کشورها، جمهوری اسلامی ایران نه فقط اصول بنیادین سیستم بین‌المللی را به چالش کشید، بلکه با مداخله در صحنه بین‌المللی در جایگاه عضو کاملاً متفاوت با اعضای دیگر چهره همگون و منسجم نظام بین‌الملل را مخدوش می‌کند. بر اساس تئوری موازنه تهدید ایران با تلاش برای دگرگونی این سیستم تهدیدی برای منافع بازیگران اصلی و قدرت‌های غالب در نظام بین‌الملل تلقی می‌شود. بنابراین، دولت یا دولت‌هایی که در معرض تهدید قرار گرفته‌اند، مجاز خواهند بود با اتخاذ رویکردهای تقابلی در برابر این کشور با او مانند عنصر مختل‌کننده نظم بین‌المللی رفتار کنند.

دیوید آلبرایت،^۱ مدیر مؤسسه علوم و امنیت بین‌المللی واشنگتن، موقعیت ایالات متحده و هم‌پیمانانش را در منطقه عامل رویکردهای تقابلی آمریکا علیه ایران می‌داند. وی در این باره می‌گوید:

باید اعتراف کنم دولت آمریکا به تسلیحات هسته‌ای و منع گسترش آنها در منطقه به هیچ‌وجه اهمیت نمی‌دهد، بلکه موقعیت خود و متحدانش در خاورمیانه بیش از هر چیز دیگر حائز اهمیت است. حالا اگر برنامه هسته‌ای ایران تهدیدکننده این موقعیت باشد، باید با آن مقابله کرد. (آلبرایت، ۱۳۸۴: ۹)

آنتونی کوردسمن^۲ معتقد است آمریکا برای حفظ برتری‌اش در دنیا باید برتری خود را بر جریان‌های سیاسی-امنیتی خاورمیانه حفظ نماید که در رتبه نخست به کنترل و

1. David Albright.

2. Anthony Cordesman.

مهار ایران نیازمند است و کنترل ایران به کنترل برنامه هسته‌ای ایران وابسته است. (Cordesman, 2009: 66) دیوید فروم^۱ و ریچارد پرل^۲ در کتاب پایان شرارت بیان می‌کنند که مشکل ایران بیش از تسلیحات هسته‌ای است. مشکل خود رژیم ایران است. در اصل رژیم باید نابود شود؛ (رودلف، ۱۳۸۴: ۱۱-۳۱) از این رو، مسئله هسته‌ای که اکنون در کانون مباحثات ایران و آمریکا قرار دارد، موضوعی مستقل و قائم به ذات نیست و فشارهای واشنگتن به ایران در زمینه پرونده هسته‌ای چه از خلال آژانس و چه خارج از آن فقط از نگرانی آمریکا برای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای ناشی نمی‌شود. در حقیقت مسئله هسته‌ای ایران بخشی از مسئله بزرگ‌تر و به تعبیر مقام معظم رهبری تعارض منطق انقلاب اسلامی با نظام سلطه است. (رهبری، ۱۳۹۲: سخنرانی)

۱) جمع‌بندی و نتیجه

این مقاله در صدد تبیین ریشه‌های مناقشه آمریکا در مواجهه با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تئوری موازنه تهدید بود. با وجود آنکه در راستای تحلیل مسئله هسته‌ای ایران، محدودیت‌هایی در تعریف مفهوم موازنه و تبیین رفتار استراتژیک قدرت‌های بزرگ در تئوری موازنه تهدید مشاهده می‌شود، اما نتایج نشان داد با توجه به گزاره اصلی و محور کانونی این نظریه که بر اساس مفاهیم درک تهدید و توازن تهدید سامان یافته است، می‌توان علت مناقشه آمریکا در مواجهه با فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را تجزیه و تحلیل کرد. در واقع می‌توان گفت بازیگران اصلی نظام بین‌الملل به دلیل اهداف و رویکردهای کشورهای انقلابی و میزان تعارض آنها با منافع بنیادینشان و سیستم بین‌المللی احساس تهدید می‌کنند و بر آن اساس تلاش کشورهای انقلابی را در جهت دستیابی به توانمندی‌ها و قابلیت‌های مورد نیاز بر نمی‌تابند و در برابر آن ائتلاف می‌کنند؛ از این رو، وجود کلاهک‌های اتمی رژیم

1. David Frum.

2. Richard Perle.

صهیونیستی، یا فعالیت هسته‌ای ایران در دوره پهلوی دوم، به دلیل نوع نگاه حاکمان آمریکایی به نقش آفرینی آنها در حوزه منافع و امنیت این کشور با مخالفت و مانع تراشی مواجهه نمی‌شود، اما به دلیل برداشت غلط آمریکایی‌ها از ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی، فعالیت مسئولان جمهوری اسلامی برای تأمین قابلیت‌های راهبردی در عرصه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای، تهدید منافع و نظم جهانی مطلوب تلقی می‌شود و با اجماع‌سازی بین‌المللی در این باره به دنبال ایجاد توازن در برابر ایران‌اند.

همچنین، استنتاج مفهومی از نتایج این مقاله نشان می‌دهد، مسئولان و سیاست‌گذاران کشور نباید در مواجهه با پرونده هسته‌ای کشور به دلیل نگرانی آمریکا از دستیابی ایران به سلاح اتمی در راستای تلاش برای رفع این نگرانی، خوش‌بینی کاذب برای حل و فصل موضوع داشته باشند و کشور را در فرایند گام به گام و عقب‌نشینی تدریجی از موفقیت‌های هسته‌ای قرار دهند. همچنین خوش‌خیالی است که تفاهم، توافق یا مصالحه احتمالی بر سر پرونده هسته‌ای ایران را پایان مناقشه آمریکا و ایران بدانیم؛ زیرا تا زمانی که آمریکا هویت و مشروعیت انقلاب اسلامی و منافع ملی ایران را به رسمیت نشناسد و ارزیابی واقع‌بینانه‌ای از جایگاه ایران در منطقه و نظام بین‌الملل نداشته باشد، سیاست تقابل با برنامه هسته‌ای ایران دست کم در سطحی از دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای که قابلیت ایجاد ظرفیت راهبردی داشته باشد، ادامه خواهد یافت. این واقعیت می‌طلبد مسئولان کشور، در عرصه سیاست‌گذاری، ایستادگی واقع‌بینانه و عقب‌نشینی تاکتیکی را در دستور کار قرار دهند.

کتابنامه

آلبرایت، دیوید (۱۳۸۴). «حق آشکار یا معامله غربی»، ترجمه جواد حمیدی، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۹، ص ۸-۲۵.

احدی، افسانه (۱۳۸۴). *استراتژی آمریکا در قبال برنامه هسته‌ای ایران، در پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها*، تهران، ابرار معاصر.

اسدی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). «رئالیسم و رویکردهای رقیب به سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۶، ص ۲۲۳-۲۵۲.

افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). سیر تحول مطالعات استراتژیک: روندهای جهانی و تجارب ایرانی، در استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی. باقری، سیامک (۱۳۸۳). ایران هسته‌ای روندها و چالش‌ها، تهران، اداره سیاسی.

جوانی، یدا... (۱۳۸۳). «فناوری هسته‌ای و مواضع اصولی رهبر معظم انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۳۹-۴۹.

حبیبی، حمید (۱۳۸۵). «پیروزی انقلاب اسلامی و فناوری هسته‌ای»، فصلنامه دین و سیاست، شماره ۷ و ۸، ص ۳۵-۶۶.

حسن‌خانی، محمد (۱۳۸۹). «انقلاب اسلامی ایران و نظام بین‌الملل»، مجموعه مقالات گفتارهایی درباره انقلاب اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

خلیلی، اسدا... (۱۳۸۳). «سیاست آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۶۷-۱۰۰.

رودلف، پیتر (۱۳۸۴). سیاست آمریکا در قبال ایران: وضعیت، گزینه‌ها و سناریوها، ترجمه بهزاد احمدی، تهران، ابرار معاصر.

سجادپور، محمدکاظم؛ اجتهادی، سعیده (۱۳۸۹). «نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۱، ص ۲۵-۵۹.

سیمبر، رضا؛ قربانی، ارسلان (۱۳۸۷). روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی، تهران، سمت.

مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت خارجه، ۲۷ مرداد ۱۳۸۲، مندرج در: leader.ir

در جمع مردم رفسنجان، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۴، مندرج در: leader.ir

در سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۴ خرداد ۱۳۸۸، مندرج در: leader.ir

در سالگرد ارتحال امام خمینی، خرداد ۱۳۹۱، مندرج در: leader.ir

در دیدار فرماندهان سپاه، ۲۶ شهریور ۱۳۹۲، مندرج در: leader.ir

صالحی، علی‌اکبر (۱۳۸۳). «روند هسته‌ای ایران از آغاز تا کنون»، فصلنامه مطالعات سیاسی روز، سال سوم، شماره ۱۲، ص ۶-۳۶.

صادقی، سید صاحب، آمریکا و گریز هسته‌ای ایران، ۲۶ تیر ۱۳۹۳، مندرج در: inhnews.ir

- ظریف، محمدجواد، مصاحبه با شبکه آمریکایی ABC، ۷ آبان ۱۳۹۲، مندرج در: YJC.IR
- عصاره، عبد... (۱۳۹۲). *انرژی هسته‌ای در ایران: ابعاد حقوقی*، تهران، کانون اندیشه.
- غراباق زندی، داوود (۱۳۸۶). *ایران و مسئله هسته‌ای (مجموعه مقالات)*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- _____ (۱۳۸۸). «سیاست خارجی دولت دوم جرج بوش در قبال ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازدهم، شماره ۱، ص ۸۳-۱۱۸.
- غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۶). «انرژی هسته‌ای نیاز امروز، ضرورت فردا»، *بررسی‌های اقتصاد انرژی*، سال سوم، شماره ۹، ص ۴۸-۶۸.
- _____ (۱۳۸۷). *نهیض ملی هسته‌ای*، تهران، وزارت امور خارجه.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷ الف). «بررسی رویکردهای سیاست خارجی ج.ا.ا. از منظر مسئله کارگزار - ساختار»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۸۲۷-۸۵۲.
- _____ (۱۳۸۷ ب). «آمریکا و بحران هسته‌ای ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال یازدهم، ش ۴، ص ۳۴۹-۳۷۶.
- کمپ، جفری (۱۳۸۴). «ایران مقابله با گسترش تسلیحات هسته‌ای»، ترجمه حسن سعید کلاهی، *پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها*، تهران، ابرار معاصر.
- گاریبالدی، گابریل (۱۳۸۴). «دو کشور دو معیار: برزیل، ایران و دکترین بوش»، *همشهری دیپلماتیک*، شماره ۵۹، ص ۱۳ و ۱۴.
- گلشن پژوه، محمود رضا (۱۳۸۴). «بررسی علل اهمیت یافتن مسئله هسته‌ای ایران در سیاست خارجی آمریکا»، *پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها*، تهران، ابرار معاصر.
- لینتل، ریچارد (۱۳۸۹). *تحول در نظریه‌های موازنه قوا*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۹). «ارزیابی مقایسه‌ای تهدیدهای آمریکا در برخورد با ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال سوم، شماره ۶، ص ۷-۳۰.
- محسنی، سجاد؛ صالحی، علیرضا (۱۳۹۰). «اهداف آمریکا از امنیتی کردن فعالیت هسته‌ای ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۵، شماره ۳، ص ۶۱۳-۶۲۴.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران، سمت.

نظرآهاری، رضا (۱۳۸۵). نگاهی به یک موافقتنامه هسته‌ای بین ایران و آمریکا، تهران، وزارت خارجه.
هاشمی، سیدحمید (۱۳۸۵). پرونده هسته‌ای ایران سیر تاریخی و نظریه‌ها، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

Cordesman, Anthony (2009). *The U.S and Iran Option for Cooperaion*, www.Csis.org Middle East Studies Program.

Kemp, Geoffrey (2004). *US and Iran the Nuclear Dillemma the National Interest*, Washington D. C, The Nixon center .

Lesser, Ian (2004). "Weapons of Mass Destruction in the Middle East: Proliferation Dynamics and Strategic Consequences". in Nora Bensahel and Daniel Byman, *The future security Environment in the Middle East: conflict stability and political change* RAND project Air Force.

Mizin, Victor (2004). "The Russia-Iran Nuclear Connection and US Policy Options", *MERIA*, Vol. 8, No. 1.

Patrikarakos, David (2012). *Nuclear Iran: The Birth of an Atomic State*, London, I.B. Tauris.

Thielmann, Greg (2014). *Breaking Down Iran's Breakout Capacity: Arms Control Association*.

Walt, Stephen, (1987). *The Origins of Alliances*, N. Y, Cornell University press.

www.csis.org

treasury.gov